

به نام خدا

شماره چاپ: ۱۲۸

دوره هشتم - سال اول

شماره ثبت: ۱۲۷

تاریخ چاپ: ۱۳۸۷/۴/۱۰

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه مجازات اسلامی»

(بخش پنجم - کلیات، ادله اثبات در امور کیفری)

پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها

فهرست مطالب

۱	بخش پنجم - ادله اثبات در امور کیفری
۱	فصل اول - مواد عمومی
۲	فصل دوم - اقرار
۵	فصل سوم - شهادت
۱۱	فصل چهارم - سوگند
۱۳	فصل پنجم - علم قاضی
۱۴	بخش ششم - مسائل متفرقه



اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه مجازات اسلامی»
(بخش پنجم - کلیات، ادله اثبات در امور کیفری)
 پیشنهاد های مرکز پژوهش ها

بخش پنجم - ادله اثبات در امور کیفری

فصل اول - مواد عمومی

ماده (۱۵۹)

ادله اثبات جرم عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی.

تبصره - احکام و شرایط قسامه که برای اثبات یا نفی قصاص و دینه معتبر است، مطابق مقررات مذکور در کتاب قصاص و دیات این قانون خواهد بود.

ماده (۱۶۰)

در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارند، اثبات می شود، قاضی به استناد آنها رأی صادر می کند، مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد.

ماده (۱۶۱)

هر گاه ادله ای که موضوعیت دارند فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشند، می توانند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرند، مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شوند.

ماده (۱۶۲)

اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا این جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور به آنان مستند است، اعم از سوگندخورنده، شاکی یا شاهد ضامن هستند.

فصل دوم - اقرار

ماده (۱۶۳)

اقرار عبارت است از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود.

ماده (۱۶۴)

اظهارات وکیل علیه موکل و ولی و قیم علیه مولی علیه اقرار محسوب نمی شود.
تبصره - اقرار به ارتکاب جرم قابل توکیل نیست.



**ماده (۱۶۵)**

اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

ماده (۱۶۶)

اقرار باید منجز باشد و اقرار معلق و مشروط معتبر نیست.

ماده (۱۶۷)

اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.

ماده (۱۶۸)

اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شده باشد، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد به عمل آورد.

ماده (۱۶۹)

اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است؛ اما نسبت به ضمان مالی ناشی از جرم معتبر نیست.

ماده (۱۷۰)

هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر اینکه قرائن و امارات بر خلاف مفاد اقرار باشد. در این صورت دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام داده و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.

ماده (۱۷۱)

در کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف) چهار بار در زنا، لواط، تفخیذ و مساحقه؛

ب) دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد.

تبصره «۱» - برای اثبات جنبه غیر کیفری کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است.

تبصره «۲» - در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود.

ماده (۱۷۲)

انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست بجز در اقرار به جرمی که مجازات آن حد رجم یا اعدام است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجرا، مجازات ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد.



**فصل سوم - شهادت****ماده (۱۷۳)**

شهادت عبارت است از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوا به وقوع یا عدم وقوع جرم به وسیله متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی.

ماده (۱۷۴)

شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است؛ اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد.

ماده (۱۷۵)

در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی، در حدود اماره قضایی با دادگاه است.

ماده (۱۷۶)

شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید دارای شرایط زیر باشد: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد، ذینفع نبودن در موضوع، نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها، عدم اشتغال به تکدی و ولگردی.

تبصره «۱» - شرایط موضوع ماده فوق باید به وسیله قاضی احراز شود.

تبصره «۲» - در مورد شرط خصومت، هرگاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد، پذیرفته می‌شود.

ماده (۱۷۷)

شهادت مجنون ادواری در حال افاقه پذیرفته می‌شود، مشروط به آنکه تحمل شهادت نیز در حال افاقه بوده باشد.

ماده (۱۷۸)

هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت غیربالغ ممیز بوده، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ رسیده باشد، شهادت او معتبر است.

ماده (۱۷۹)

شهادت اشخاص غیرعادی، مانند فراموشکار و ساهی به عنوان شهادت شرعی معتبر نیست، مگر آنکه قاضی به عدم فراموشی، سهو و امثال آن در مورد شهادت علم داشته باشد.

ماده (۱۸۰)

عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می‌دهد، اهل معصیت نباشد. شخصی که اشتهار به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد، تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، شهادتش پذیرفته نمی‌شود.

ماده (۱۸۱)

در شهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، وحدت موضوع شهادت ضروری است و





باید مفاد شهادت‌ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هرگاه اختلاف مفاد شهادت‌ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی‌شود.

ماده (۱۸۲)

شهادت باید از روی قطع و یقین، به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، ادا شود.

ماده (۱۸۳)

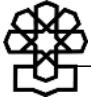
شهادت باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر، با فعل از قبیل اشاره واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

ماده (۱۸۴)

در صورت وجود تعارض بین دو شهادت شرعی، هیچ‌یک معتبر نیست.

ماده (۱۸۵)

چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی - تصویری زنده و یا ضبط شده، با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است.



ماده (۱۸۶)

در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات برخلاف مفاد شهادت شرعی باشد، دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام داده و در صورتی‌که به خلاف واقع بودن شهادت، علم حاصل شود، معتبر نخواهد بود.

ماده (۱۸۷)

شهادت بر شهادت شرعی در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت، بیماری و امثال آن، حضور وی متعذر باشد.

تبصره «۱» - شاهد بر شهادت شاهد اصلی باید واجد شرایط مقرر برای شاهد اصلی باشد.

تبصره «۲» - شهادت بر شهادت شاهد فرع، معتبر نیست.

ماده (۱۸۸)

جرائم موجب حد و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود؛ لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است.

ماده (۱۸۹)

در صورتی‌که شاهد اصل، پس از اقامه شهادت به وسیله شهود فرع و پیش از صدور رأی، منکر شهادت شود، گواهی شهود فرع از اعتبار ساقط می‌شود، اما انکار پس از صدور حکم، اثری ندارد.

**ماده (۱۹۰)**

شاهد شرعی قابل جرح و تعدیل است. جرح شاهد عبارت است از شهادت بر فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد شرعی مقرر کرده و تعدیل شاهد عبارت است از شهادت بر وجود شرایط مذکور برای شاهد شرعی.

ماده (۱۹۱)

قاضی مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام کند.

ماده (۱۹۲)

جرح شاهد شرعی باید پیش از ادای شهادت به عمل آید، مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود. در این صورت، جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

ماده (۱۹۳)

در صورت رد شاهد شرعی از سوی قاضی یا جرح وی، مدعی صلاحیت شاهد می تواند برای اثبات آن اقامه دلیل کند.

ماده (۱۹۴)

در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست و گواهی مطلق به تعدیل یا جرح کفایت می کند، مشروط بر آنکه شاهد دارای شرایط شرعی باشد.



تبصره - در اثبات یا نفی عدالت، علم شاهد به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر به تنهایی برای احراز عدالت کافی نیست.

ماده (۱۹۵)

هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد، از اعتبار ساقط است، مگر اینکه عدالت سابق شاهد احراز شود و علم به تغییر مجدد آن نباشد.

ماده (۱۹۶)

هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی کند و اگر از وضعیت آنها اطلاع نداشته باشد، تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می کند.

ماده (۱۹۷)

رجوع از شهادت شرعی، موجب سلب اعتبار شهادت می شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست.

ماده (۱۹۸)

نصاب شهادت در کلیه جرائم دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد. برای اثبات زنا شهادت دو مرد و چهار زن عادل



کافی است. مگر مواردی که حد زنا، اعدام یا رجم است که در این صورت حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است در این مورد هر گاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است.

ماده (۱۹۹)

در خصوص شهادت بر زنا یا لواط شاهد باید حضوراً عملی که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود را دیده باشد و هر گاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط قذف محسوب می‌شود و موجب حد است.

فصل چهارم - سوگند

ماده (۲۰۰)

سوگند عبارت است از گواه قراردادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند.

ماده (۲۰۱)

اداکننده سوگند باید عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.

ماده (۲۰۲)

سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، تالله، یا نام خداوند متعال به



سایر زبان‌ها ادا شود و در صورت نیاز به تغلیظ، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان، مکان، الفاظ و مانند آنها تعیین می‌کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد.

ماده (۲۰۳)

سوگند باید مطابق با ادعا، صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهامی بوده و از روی قطع و یقین ادا شود.

ماده (۲۰۴)

سوگند باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر با اشاره‌ای که روشن در مقصود باشد، ادا می‌شود.

ماده (۲۰۵)

در مواردی که اشاره، مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد می‌کند، آگاه نباشد و یا اداکننده سوگند قادر به تکلم نباشد، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص امر، مراد وی را کشف می‌کند.

ماده (۲۰۶)

سوگند فقط نسبت به طرفین دعوا و قائم‌مقام آنها مؤثر است.

**ماده (۲۰۷)**

حدود و تعزیرات با سوگند ثابت نمی‌شوند؛ لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می‌گردند.

ماده (۲۰۸)

هرگاه در دعاوی مالی، مانند دیه جنایات و همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است، مانند جنایت خطایی و شبه‌عمدی موجب دیه، برای مدعی خصوصی امکان اقامه بیینه شرعی نباشد، وی می‌تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه مالی اثبات کند.

تبصره - در موارد مذکور در ماده فوق، ابتدا شاهد واجد شرایط شهادت می‌دهد و سپس سوگند به وسیله مدعی ادا می‌شود.

ماده (۲۰۹)

هرگاه پیش از صدور حکم، ثابت شود سوگند، دروغ و یا اداکننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی‌شود.

فصل پنجم - علم قاضی**ماده (۲۱۰)**

علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات بین در امری که نزد قاضی مطرح است. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، قاضی مکلف است قرائن و امارات



بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم ذکر کند.

تبصره - مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال علم استنباطی که موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم قرار گیرد.

ماده (۲۱۱)

در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نخواهد بود و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند و چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، آن ادله معتبر بوده و براساس آنها رأی صادر می‌شود.

ماده (۲۱۲)

در تعارض سایر ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. همچنین است تقدم شهادت شرعی بر دو مورد اخیر.

بخش ششم - مسائل متفرقه**ماده (۲۱۳)**

«مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده، اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل و در صورت عدم امکان قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده



خسارات وارد شده نیز برآید. هرگاه از حیث حقوق عمومی وجهی به‌عهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است».

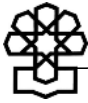
ماده (۲۱۴)

«بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیای مذکور در فوق را صادر نماید:

۱. وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.
۲. اشیا و اموال بلامعارض باشد.
۳. در شمار اشیا و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا براءت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیا و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده، حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که باید مسترد، ضبط یا معدوم شوند.

تبصره «۱» - متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می‌تواند از



تصمیم آنان راجع به اشیا و اموال مذکور در این ماده شکایت کرده، شکایت خود را طبق مقررات در دادگاه‌های جزایی تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید، هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد.

تبصره «۲» - مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن می‌گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع‌الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به‌عنوان امانت نگهداری خواهد شد».

ماده (۲۱۵)

مجازات‌های تعزیری و یا بازدارنده مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین به‌شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ۳ ماه حبس است به حبس تعزیری درجه ۸.
۲. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ۶ ماه حبس است به حبس تعزیری درجه ۷.
۳. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ۲ سال حبس است به حبس تعزیری درجه ۶.
۴. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ۵ سال حبس است به حبس تعزیری درجه ۵.



۵. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ۱۰ سال حبس است به حبس تعزیری درجه ۴.
۶. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ۱۵ سال حبس است به حبس تعزیری درجه ۳.
۷. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ۲۵ سال حبس است به حبس تعزیری درجه ۲.
۸. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها بیش از ۲۵ سال حبس است به حبس تعزیری موقت درجه ۱.
۹. کلیه شلاق‌هایی که حداکثر آنها ۷۴ ضربه است به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶.
۱۰. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا ۱۰ میلیون ریال است به جزای نقدی درجه ۸.
۱۱. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا ۲۰ میلیون ریال است به جزای نقدی درجه ۷.
۱۲. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا ۸۰ میلیون ریال است به جزای نقدی درجه ۶.
۱۳. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا ۱۸۰ میلیون ریال است به جزای نقدی درجه ۵.
۱۴. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا ۳۶۰ میلیون ریال است به جزای نقدی درجه ۴.



۱۵. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا ۵۵۰ میلیون ریال است به جزای نقدی درجه ۳.
۱۶. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها ۱ میلیارد ریال و بیش از آن است به جزای نقدی درجه ۲.
۱۷. کلیه مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی که حداکثر مدت آن تا ۶ ماه است به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۷.
۱۸. کلیه مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی که حداکثر مدت آن تا ۵ سال است به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۶.
۱۹. کلیه مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی که حداکثر مدت آن بیش از ۵ سال است به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۵.

ماده (۲۱۶)

«اجرای احکام حدود، قصاص و تعزیرات براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که تا ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و ابلاغ خواهد شد.»

ماده (۲۱۷)

کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مواد (۶۲۵) تا (۶۲۹) و ماده (۷۲۷) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ می‌گردد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۶۰۶

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه مجازات اسلامی»
(بخش پنجم - کلیات، ادله اثبات در امور کیفری) پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه جزا)

تهیه و تدوین: جلیل محبی

ناظر علمی: بهزاد پورسید

متقاضی: کمیسیون قضایی حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: اسفندماه ۱۳۸۷